Recognition the Phenomenon of Cohabitation in Iran; A Qualitative Study

Khosravi Roghayeh [1], Lotfi Shuresh [2]

1. Assistant Professor, Department of Sociology and Social Planning, Faculty of Economics, Management and Social Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran.(Corresponding Author), Tell: 021-81455695, Email: R.khosravi@shirazu.ac.ir,ORCID ID: 0000-0002-3188-3745

2. Social Worker, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. ORCID ID: 0000-0002-1893-9927

ABSTRACT

Background and Aim: This study was conducted with the aim of investigating the causes of women's tendency towards cohabitation in Tehran and analyzing different micro, mezzo, and macro levels of women's tendency towards this lifestyle.

Materials and Methods: Using the qualitative method, 19 people were selected in 2023 through snowball sampling from women who live in the cohabitation style in Tehran, and at least one year has passed in their lives, and an in-depth and semi-structured interview was conducted with them. Thematic analysis was used to analyze the data, and the control method, peer review technique, participant review technique, triangulation, continuous observations by researchers, and gathering evidence from various sources were used for the validity and reliability of the research.

Results: In this research, 29 sub-themes were obtained, and after theoretical analysis, eight main themes were classified into three micro, mezzo, and macro levels as the causes of women's tendency to cohabitation. Individual characteristics and lived experiences and moralistic liberalism representing micro-level factors; The change in family functions and the expansion of the communication network represent mezzo-level factors; And the impact of socio-cultural and economic issues on the spread of marriage problems, a critical approach to the social structures of marriage, preventing the phenomenon of divorce, the creation of socio-cultural changes and the rethinking of traditions represent the macro-level factors in women's tendency towards cohabitation.

Conclusion: All three levels, micro, mezzo and macro, should be examined in the analysis of the tendency towards cohabitation, and the results of this research show that the majority of the main themes identified at the social level indicate the extent of structural factors in women's tendency towards cohabitation, and it should be prevented from labelling people who live in the cohabitation style.

Keywords: Cohabitation, Women, Micro, Mezzo and Macro Causes

Received: Aug 28, 2024 **Accepted:** Dec 22, 2024

How to cite the article: Khosravi Roghayeh, Lotfi Shuresh. Recognition the Phenomenon of Cohabitation in Iran; A Qualitative Study. SJKU 2025;30(2):96-118.

Copyright © 2018 the Author (s). Published by Kurdistan University of Medical Sciences. This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial License 4.0 (CCBYNC), where it is permissible to download, share, remix, transform, and buildup the work provided it is properly cited. The work cannot be used commercially without permission from the journal

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-09-15]

[DOI: 10.22034/30.2.97]

مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان / دوره سی /خرداد وتیر ۱۴۰۴/۱۱۸-۹۶

شناخت پدیده هم‌باشی در ایران؛ یک مطالعه کیفی

رقیه خسروی[۱]، شورش لطفی[۲]

۱. استادیار و عضو هیئت علمی بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول). پست الکترونیک: r.khosravi@shirazu.ac.ir، تلفن ثابت: ۸۱۴۵۵۶۹۵-۰۲۱، کد ارکید: ۳۷۴۵-۳۱۸۸-۰۰۰۲-۰۰۰۰

۲. مددکار اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران، کد ارکید: ۹۹۲۷-۱۸۹۳-۰۰۰۲-۰۰۰۰

چکیده

زمینه و هدف: این مطالعه باهدف شناخت علل گرایش زنان به هم‌باشی در شهر تهران و تحلیل سطوح مختلف خرد، میانی و کلان در گرایش زنان به این سبک زندگی انجام شد.

مواد و روش‌ها: به روش کیفی و از طریق نمونه‌گیری گلوله‌برفی در سال ۱۴۰۲ با ۱۹ نفر از زنانی که به سبک هم‌باشی در شهر تهران زندگی می‌کنند و حداقل یک‌سال از زندگی آنان می‌گذرد مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته صورت گرفت. جهت تحلیل اطلاعات از تحلیل تماتیک استفاده شد و برای روایی و پایایی مطالعه از روش کنترل، تکنیک‌های بازبینی توسط همکار، بازبینی توسط مشارکت-کنندگان، مثلث‌سازی، مشاهدات مداوم پژوهشگران و گردآوری شواهد از منابع مختلف استفاده گردید.

یافته‌ها: در این مطالعه تعداد ۲۹ مضمون فرعی طبقه‌بندی شدند و پس از بررسی و تحلیل نظری، هشت مضمون اصلی و در سه سطح خرد، میانی و کلان به عنوان دلایل گرایش زنان به هم‌باشی به دست آمد. ویژگی‌های فردی و تجارب زیسته و لیبرالیسم اخلاقی بیانگر عوامل سطح خرد؛ تغییر در کارکردهای خانواده و گسترش شبکه ارتباطی بیانگر عوامل سطح میانی و تأثیر مسائل اجتماعی فرهنگی اقتصادی بر گسترش مشکلات ازدواج، رویکرد انتقادی به ساختارهای اجتماعی ازدواج، بازدارندگی پدیده طلاق و ایجاد تغییرات اجتماعی فرهنگی و بازاندیشی سنت‌ها بیانگر عوامل سطح کلان در گرایش زنان به هم‌باشی است.

نتیجه‌گیری: در تحلیل گرایش به هم‌باشی باید هر سه سطح خرد، میانی و کلان موردبررسی قرار گیرند و بر اساس نتایج این پژوهش، تعدّد بیشتر مضمون‌های اصلی شناسایی شده در سطح اجتماعی، بیانگر گستردگی عوامل ساختاری در گرایش زنان به انتخاب هم‌باشی دارد و باید از برچسب‌زنی به افراد هم باش جلوگیری کرد.

کلمات کلیدی: هم‌باشی، زنان، علل خرد، میانی و کلان.

وصول مقاله:۱۴۰۳/۶/۷ اصلاحیه نهایی:۱۴۰۳/۹/۲ پذیرش:۱۴۰۳/۱۰/۲

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-09-15]

[DOI: 10.22034/30.2.97]

مقدمه

مدرنیته با دگرگونی ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی از مهم‌ترین عواملی است که ساختار خانواده، ازدواج و مفاهیم انسانی و اخلاقی وابسته به آن را تغییر داده و گسترش هم‌باشی در کشورهای غربی، مهم‌ترین تغییر در شکل الگوی تغییر خانواده در پنجاه سال اخیر بوده است (۱). به دنبال فرآیند نوسازی و مدرنیته غربی و همچنین ساختار اجتماعی اقتصادی آن، الگوی روابط زن و مرد و ساختار خانواده در کشور ایران دچار تغییرات نوینی شده و انتخاب هم‌باشی به عنوان الگوی مدرن روابط زن و مرد و جایگزینی برای ازدواج رسمی از سوی جوانان، نتیجه این تغییرات اجتماعی است که در زیر پوست کلان شهرهای ایران در حال گسترش است. پدیده هم‌باشی به دلیل عدم ثبت شرعی و عدم مسئولیت حقوقی و عدم مشروعیت فقهی، در نظام حقوقی و فقهی ایران غیرقانونی بوده و با آموزه‌های دینی و فرهنگی جامعه اسلامی ایران همخوانی ندارد و به دلیل این امر، برخلاف دیگر کشورها، جوانان ایرانی با انتخاب هم‌باشی، دچار تضادهای قابل توجهی می‌گردند(۲).

در اغلب پژوهش‌ها، انقلاب جنسی دهه ۶۰ میلادی، نقطه عطف گسترش هم‌باشی مدرن و تمایز از گونه‌های پیشامدرن و سنتی آن دانسته شده است(۳) و نتایج پژوهش‌ها حاکی از آن است که هم‌باشی امروزه در سراسر اروپا و آمریکا، به گونه‌ای چشمگیر در حال پذیرش و افزایش است(۶-۴). با وجود اینکه در ایران آمارها به صورت رسمی وجود ندارد؛ اما هم‌باشی بیش از گذشته به عنوان یک سبک زندگی جایگزین ازدواج یا پیش از ازدواج در دسترس جوانان قرار گرفته است(۷) و بر اساس مطالعات صورت گرفته روابط جنسی پیش از ازدواج در حال افزایش است(۸). طی نتایج فرا تحلیل روابط با جنس مخالف قبل از ازدواج در بین جوانان در طول ۱۵ سال از ۱۳۸۰ الی ۱۳۹۴ در ایران توسط خلج آبادی فراهانی(2015) مطرح گردید که شیوع رابطه جنسی قبل از ازدواج در تهران ۲۲.۵٪ و در سایر استان ها ۱۴.۷٪ برآورد شده است(۹).

از دیدگاه Durkheim دوگانگی ارزش‌های سنتی و مدرن مصداقی از وضعیت آنومیک شدن جامعه است که در این شرایط قواعد اجتماعی برای افراد جامعه الزام‌آور نیست و پیروی از آن‌ها برای افراد مطلوبیتی ندارد (۱۰). Riesman مطرح می‌کند در جوامع جدید سلوک انسان‌ها مبتنی بر جریانی است که نه از راه سنت بلکه از سوی دیگران هدایت می‌شود و بر اساس رویکرد تضاد ارزش‌ها، مجموعه هنجارها و ارزش‌های یک نسل با مجموعه ارزش‌ها و هنجارهای نسل دیگر متضاد بوده و منجر به شکاف فرهنگی و شکاف نسلی می‌گردد و در نظریه کنترل Hirschi، هم‌باشی را می‌توان ناشی از کنترل ضعیف والدین و سست شدن نقش نظارتی والدین و جامعه و دور شدن فرزندان از محیط خانواده به دلیل ادامه تحصیل یا اشتغال دانست(۱۱). بر اساس مفهوم جهانی‌شدن Ritzer، جهان به تدریج چهره‌ای یکسان به خود می‌گیرد و هر فکر و عقیده‌ای به سرعت طرفداران خود را از سراسر دنیا با خود همراه می‌کند(۱۲). William Goode با مطرح کردن ایده‌ی انقلاب جهانی در الگوی خانواده گسترده، تأثیرات مدرنیزاسیون در سطوح مختلف فردی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده است(۱۳). Giddens معتقد است که ارزش‌ها و باورها سخت‌ترین و استوارترین اعتقادات هستند که تحت تأثیر مدرنیته در حال متحول شدن هستند(۱۴). در دیدگاه مدرنیته سیال Bauman، افراد هم‌باش به دنبال شکلی از زندگی هستند که سیالیت و عدم قطعیت از ویژگی‌های آن است(۱۵). Berger معتقد است که جامعه در حال تغییر و تحول، فرد را ناگزیر به بازاندیشی و اتخاذ تصمیم‌های متنوع می‌سازد(۱۶). در نظریه تأخر فرهنگیOgburn، صنعتی شدن و گسترش نظام اجتماعی اقتصادی سرمایه‌داری دگرگونی‌های تحول‌زا را در خانواده‌ها پدید آورده و باعث بروز تعارض در خانواده می‌گردد(۱۷).

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-09-15]

[DOI: 10.22034/30.2.97]

در نظریه نوسازی بازاندیشانه McDonald، اگرچه فرآیند نوسازی، آزادی و استقلال بیشتری برای افراد به ارمغان می‌آورد؛ اما آن‌ها را با عدم اطمینان بیشتری نسبت به آینده مواجه می‌سازد(۱۸). دیدگاه Simmel تبیین‌کننده رشد رو به تزاید فردگرایی در نسل جدید و دیدگاه Mannheim بیانگر انتخاب نوع جدید زندگی متفاوت از نسل قبل به دلیل تجربیات متفاوت نسل جدید با خواسته‌ها و تجربیات نسل گذشته است و از نظر Inglehart شاهد ظهور نسل‌هایی با خواسته‌های متمایز از نسل‌های قبل و بعضاً در تعارض جدی با آن‌ها هستیم(۱۹). از نظر Cohen، بخش عمده انحرافات اخلاقی ریشه در نیازهای واقعی عاطفی و جنسی به دلیل محرومیت و فراهم نبودن شرایط ارضای مناسب آن دارد و Michel Foucault معتقد است که در جوامع مدرن نیازهای جنسی سرکوب نشده، بلکه در هیچ دوره‌ای تا این اندازه به مسائل جنسی توجه نشده و شاهد فوران شدید مسائل جنسی نامتعارف هستیم(۲۰). Berger & Luckmann نیز معتقدند دین نظم اجتماعی را مشروع می‌کند و مفاهیم دینی جهان را که ساختار موجه‌نمایی است، حفظ و تحکیم می‌بخشد و Durkheim نیز بر نقش دین در کاهش فردگرایی خودخواهانه و آنومی در جامعه تأکید دارد؛ اما امروزه تقدس زدایی از دین در بین همباش‌ها بیشتر است(۲۱). در دیدگاه Hebdige خرده فرهنگ‌ها یک تنش اساسی بین فرادستان و فرودستان را ابراز می‌کنند و هویت متفاوتی را ابراز می‌کنند و نظم اجتماعی مسلط را به چالش می‌کشند و بر اساس نظریه خرده‌فرهنگی Birmingham، جوانان طبقه پایین و متوسط، از راه سبک زندگی خاص خود در پی ابراز مخالفت با مفروضات ایدئولوژیک نظام سرمایه‌داری هستند(۲۲).

نتایج مطالعات در زمینه علل پیدایش هم‌باشی بیانگر این است که جوامع امروزی با گسترش پدیده هم‌باشی روبروست و تقریباً الگوی هم‌باشی را پذیرفته و تدابیر الزام در سیاست‌گذاری‌های خود را لحاظ کرده‌اند. بر اساس نتایج مطالعه Horowitz و همکاران (۲۰۱۹) از بزرگسالان بین ۱۸ تا ۴۴ سال در طول سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷، حدود ۶۹ درصد زندگی مشترک بدون ازدواج را قابل قبول می‌دانند، ۱۶ درصد دیگر از این افراد مطرح کرده‌اند که اگر قصد ازدواج داشته باشند، زندگی مشترک قابل قبول است و تنها ۱۴ درصد از بزرگسالان مطرح کرده‌اند که زندگی مشترک بدون ازدواج بدون توجه به برنامه‌های آن‌ها برای آینده هرگز قابل قبول نیست(۴). بر اساس نتایج مطالعه Lesthaeghe(۲۰۲۰) سبک زندگی هم‌باشی به سرعت در بین تمام طبقات اجتماعی و در تمام گروه‌های تحصیلی در حال گسترش است(۲۳).

مفهوم «ازدواج سفید» معادل "White Marriage" در فرهنگ لغت، به‌عنوان ازدواج بدون رابطه جنسی تعریف شده است (۲۴) که معنی این مفهوم با آنچه در جامعه ما رایج است و مورد هدف این مطالعه است، متفاوت است؛ بنابراین در متون علمی این مطالعه از مفهوم «هم‌باشی» معادل "Cohabitation" استفاده شده است. پدیده هم‌باشی متأثر از بافت فرهنگی، اجتماعی، حقوقی و اقتصادی جوامع است؛ بنابراین علت شکل‌گیری این پدیده و گرایش به آن نیز در بین جوامع مختلف متفاوت است و شناخت متفاوتی از این پدیده را در بین جوامع مختلف شکل می‌دهد. در ایران بنا به دلایلی همچون محدودیت در دسترسی به افراد هم‌باش و غیرقانونی بودن آن، پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه را محدود کرده است. در حالی که بر پایه آمار سازمان ثبت احوال ایران، مشاهده می‌گردد که از ابتدای سال ۱۴۰۲ لغایت پایان تیرماه سال‌جاری، در کل کشور ۱۹۹.۷۴۲ مورد ازدواج و ۶۵.۳۵۴ مورد طلاق به ثبت رسیده است(۲۵). بر این اساس می‌توان مطرح نمود که حدود ۳۲.۷۲ درصد ازدواج‌ها در ایران منتهی به طلاق گردیده است. با توجه به اینکه طلاق در جامعه ایران براساس تحقیقات صورت گرفته یکی از عوامل گرایش

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-09-15]

[DOI: 10.22034/30.2.97]

جوانان ایرانی به هم‌باشی است(۲۷, ۲۶)؛ بنابراین آمار بالای طلاق در جامعه ایران، زمینه‌ای برای گرایش بیشتر جوانان به روابط خارج از ازدواج را فراهم می‌کند و این موضوع ضرورت شناخت دقیق‌تر از پدیده هم‌باشی در ایران را بیشتر نموده است. با توجه به شیوع بیشتر هم‌باشی به عنوان یک سبک زندگی در جامعه، تغییرات اجتماعی فرهنگی جامعه امروزی و تحولات فکری نسل جدید، دلایل شکل‌گیری این پدیده و عوامل تأثیرگذار در گرایش به آن در ایران نیز می‌تواند نسبت به گذشته تغییر و متفاوت گردد که نیازمند انجام تحقیقات جدیدتر و گسترده‌تری از وضعیت این پدیده در جامعه ایران است و لایه‌های جدیدی از این پدیده را آشکار سازد. این مطالعه با بررسی و تبیین دلایل گرایش زنان به هم‌باشی در تلاش است به تحلیل و درک صحیحی از این پدیده اجتماعی در شرایط فعلی جامعه ایران در سطوح مختلف خرد، میانی و کلان بپردازد تا برنامه‌ریزی صحیحی در این زمینه صورت گیرد.

مواد و روش‌ها

روش مطالعه، کیفی بوده و جهت تمرکز بر شناسایی الگوی معنایی در یک مجموعه‌داده و درک و تفسیر بهتر نتایج اطلاعات، این مطالعه با بهره‌گیری از شیوهٔ تحلیل تماتیک در سال ۱۴۰۲ در شهر تهران انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش زنان ساکن در شهر تهران است که به سبک هم‌باشی زندگی می‌کنند. با توجه به غیرقانونی بودن این سبک زندگی و پنهان بودن جامعه زنانی که به این سبک زندگی می‌کنند و به دلیل محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی در شناسایی این افراد، برای گردآوری اطلاعات، از روش نمونه‌گیری گلوله برفی برای یافتن افراد نمونه استفاده گردید و با توجه به اینکه انجام مصاحبه حضوری با مشارکت‌کنندگان محدودیت‌های زیادی داشت، مصاحبه‌ها با انتخاب خود مشارکت کننده، به صورت حضوری یا تلفنی صورت گرفت و فرایند مصاحبه تا اشباع داده‌ها ادامه یافت و در نهایت با ۱۹ زن ساکن در شهر تهران که دارای سبک زندگی هم‌باشی هستند، مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته صورت گرفت. مصاحبه‌ها طی هماهنگی و کسب رضایت از افراد مورد مصاحبه، ضبط گردید و سپس پیاده‌سازی شدند.

معیار ورود افراد شرکت‌کننده در این مطالعه، زنان دارای حداقل یک سال تجربه زندگی هم‌باشی در شهر تهران بود که رضایتمندی جهت مشارکت در این مطالعه داشتند. در صورت عدم تمایل به مشارکت در این مطالعه، فرایند انجام مصاحبه با آنان متوقف می‌گردید و از فرایند این پژوهش خارج می‌شدند. تمرکز سؤالات مصاحبه بر مفاهیم بیرون‌آمده از نظریه‌ها و بحث‌های نظری در زمینه هم‌باشی و مطالعات و تحقیقات پیشین در این زمینه است و با طرح سؤالات باز و کلی همچون تجربیات خود را در خصوص این سبک زندگی بیان کنید؟ شروع گردید، سپس بر اساس مفاهیم مطرح شده، با طرح پرسش‌های اختصاصی‌تر، فرایند مصاحبه برای دستیابی به اهداف مطالعه ادامه می‌یافت. مدت‌زمان هر یک از مصاحبه‌ها به طور میانگین ۵۰ الی ۶۰ دقیقه طول می‌کشید و تحلیل داده‌ها همزمان و موازی با جمع‌آوری داده و پس از انجام اولین مصاحبه و مکتوب شدن آن آغاز شد تا اطلاعات استخراج شده جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها را هدایت کند. در این مطالعه جهت تجزیه‌وتحلیل اطلاعات از فرایند شش مرحله‌ای کلارک و براون(۲۸) استفاده گردید.

در روایی و پایایی این مطالعه، جهت تأییدپذیری، با استفاده از تکنیک بازبینی توسط همکار، تجزیه‌وتحلیل هر یک از مصاحبه‌ها، به‌صورت هم‌زمان توسط پژوهشگر بعدی موردبررسی قرار گرفته و کدها با یکدیگر مقایسه شدند و در حین مصاحبه در کنار ضبط صدای مصاحبه‌ها، یادداشت‌برداری نیز صورت گرفت و یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های پژوهشگران، یادداشت‌برداری‌ها و صدای ضبط شده مصاحبه‌ها با یکدیگر مقایسه گردید و یافته‌های به‌دست‌آمده توسط

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-09-15]

[DOI: 10.22034/30.2.97]

پژوهشگر بعدی موردبررسی و تأیید قرار می‌گرفت. همچنین برای اعتبارپذیری، با استفاده از تکنیک بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان، بخشی از متن مصاحبه همراه با کدهای اولیه به رؤیت مشارکت‌کننده‌ها می‌رسید و نتایج استخراج شده با نظر مشارکت‌کننده‌ها مقایسه می‌گردید. همچنین جهت انتقال‌پذیری، ضمن توصیف روشنی از بستر پژوهش، نحوه انتخاب و ویژگی‌های دموگرافیک مشارکت‌کننده‌ها، جمع‌آوری داده و فرایند تحلیل، تلاش شد مجموعه‌داده‌ها و نقل‌قول‌های مشارکت‌کننده‌ها به نحوی کامل و غنی ارائه شود تا خواننده بتواند در مورد قابلیت کاربرد یافته‌ها در موقعیت‌های دیگر قضاوت نماید. همچنین استفاده از تکنیک‌های مثلث‌سازی در جمع‌آوری داده‌ها و از طریق گردآوری شواهد از منابع مختلف شامل تئوری‌های گوناگون، منابع اطلاعاتی متنوع، تنوع در شرکت‌کنندگان و همچنین مشاهدات مداوم پژوهشگران در طول مصاحبه‌های حضوری و اعتمادسازی با افراد موردمطالعه، اعتبارپذیری نتایج این پژوهش را افزایش می‌دهد.

پس از رسیدن به اشباع نظری، ۱۹ مصاحبه فردی مورد تحلیل قرار گرفتند و ضمن آشنایی با داده‌ها، تعداد ۴۹۰ کد اولیه از تحلیل مصاحبه‌ها استخراج گردید. سپس با استفاده از تکنیک بازبینی جهت مرور و بررسی تحلیلی این کدها توسط هر یک از پژوهشگران به طور مستقل و بررسی و مقایسه نتایج توسط پژوهشگر بعدی و همچنین استفاده از روش کنترل و ارزیابی و بازبینی این کدها توسط مشارکت‌کنندگان، تعداد ۲۶۵ کد اولیه مرتبط با دلایل گرایش زنان به هم‌باشی به دست آمد. در مرحله بعد، کدهای به دست آمده توسط محققان مورد بررسی مجدد قرار گرفت و با حذف کدهای تکراری، در نهایت تعداد ۹۸ مفهوم اولیه استخراج گردید. سپس این مفاهیم بر اساس نظم و طبقه‌بندی مفهومی، دسته‌بندی شده و در ۲۹ مضمون فرعی طبقه‌بندی شدند. مضامین فرعی بررسی و مورد تحلیل نظری قرار گرفته و در نهایت هشت مضمون اصلی به عنوان دلایل گرایش زنان به هم‌باشی انتزاع گردید.

یافته‌ها:

الف) نتایج توصیفی

در جدول شماره ۱ مشخصات جمعیت‌شناختی ۱۹ نفر از زنان مورد مصاحبه ساکن در شهر تهران منعکس شده است. در این مطالعه تلاش بر این شد افراد مشارکت کننده به گونه‌ای انتخاب شوند تا امکان بازنمایی شرایط مختلف و تنوع در مقاطع تحصیلی، رشته‌های تحصیلی، مشاغل و تجربه یا عدم تجربه طلاق و مدت زمان زندگی به سبک هم‌باشی فراهم شود.

جدول ۱: مشخصات فردی افراد مورد مصاحبه

ردیف	تحصیلات	رشته تحصیلی	سن	شغل	محل زندگی	تجربه طلاق	مدت (سال) زندگی هم‌باشی
۱	کارشناسی‌ارشد	علوم ارتباطات	۳۸	عکاس خبری	جمهوری	خیر	۲
۲	کارشناسی	علوم اجتماعی	۳۷	دانشجو	انقلاب	بله	۴
۳	کارشناسی‌ارشد	بهداشت حرفه‌ای	۳۱	کارمند شرکت تجهیزات پزشکی	هفت‌تیر	خیر	۳
۴	کاردانی	معماری	۴۱	طراح داخلی	هفت‌تیر	خیر	۲
۵	کارشناسی‌ارشد	ادبیات	۲۶	نویسنده	انقلاب	خیر	۵
۶	کاردانی	انیمیشن	۳۱	عدم شغل ثابت	عباس‌آباد	خیر	۴
۷	کارشناسی	مترجمی زبان آلمانی	۳۷	مترجم و معلم زبان آلمانی، مشاور تحصیلی	شهر پردیس	بله	۶

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-09-15]

[DOI: 10.22034/30.2.97]

۸	کارشناسی‌ارشد	هنر	۳۸	دانشجو	میدان فلسطین	خیر	۲
۹	کارشناسی‌ارشد	مخابرات	۲۶	مهندس شرکت مخابراتی	میدان ولیعصر	خیر	۲
۱۰	کارشناسی	مددکاری اجتماعی	۳۶	شرکت تبلیغات و برندینگ	جمهوری	بله	۷
۱۱	دیپلم	علوم‌انسانی	۲۵	فروش لوازم‌خانگی	تهرانپارس	بله	۴
۱۲	کارشناسی‌ارشد	علوم تربیتی	۳۲	تدریس در مهدکودک	مرزداران	خیر	۵
۱۳	کارشناسی	هتلداری	۳۴	طراحی و نقاشی	میدان صنعت	خیر	۳
۱۴	کارشناسی‌ارشد	حسابداری	۳۵	کارمند شرکت توریستی	نارمک	خیر	۸
۱۵	کارشناسی	نمایش	۳۴	طراح لباس	تجریش	خیر	۶
۱۶	کارشناسی	روان‌شناسی	۳۸	مشاور تحصیلی	خیابان بهشتی	خیر	۴
۱۷	کارشناسی	گرافیک	۳۷	گرافیست	شمیرانات	خیر	۵
۱۸	کارشناسی	فلسفه	۲۹	بازیگر تئاتر	میدان ولیعصر	خیر	۲
۱۹	کارشناسی	مدیریت دولتی	۴۱	کارمند	تجریش	خیر	۷

ب) نتایج تحلیلی

در جدول ۲، هشت مضمون اصلی گرایش زنان به هم‌باشی، مضامین اولیه و مفاهیم به دست آمده در این پژوهش آورده شده است.

جدول ۲: مضامین اصلی، اولیه و مفاهیم پژوهش

مفاهیم	مضامین اولیه	مضامین اصلی
رفع زمان تنهایی، بازگشت به زندگی متأثر از فوت بستگان، تأمین نیاز روحی روانی و عاطفی	تنهایی	**ویژگی‌های فردی و تجارب زیسته**
تجربه حضور در دانشگاه، دانش نظری در حوزه ساختارهای اجتماعی، تأثیر حرفه شغلی	نگرش متأثر از رشته تحصیلی	
حضور خانواده در خارج از تهران، داشتن منزل مستقل زمان مجردی، زندگی دانشجویی در تهران	تجربه زندگی مستقل مجردی	
وجود انتظارات و توقعات زیاد اطرافیان، ارجحیت مصلحت‌های خانوادگی، برخورد نامناسب خانواده با مشکلات زوجین	دخالت دیگران در ازدواج	**تأثیر مسائل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر گسترش مشکلات ازدواج**
کیفیت پایین زندگی در ازدواج، تجربیات تلخ از ازدواج، تعریف نقش‌زن خونه، کم‌شدن رابطه جنسی در ازدواج	یکنواختی زندگی در ازدواج	
سرزنش‌شدن توسط خانواده، عدم‌پذیرش در جامعه، اصرار خانواده به رسمی کردن روابط دوستی	عدم وجود بستر اجتماعی برای شناخت از جنس مخالف	
عدم‌پذیرش طولانی‌شدن دوران نامزدی، رواج سبک سنتی ازدواج، عدم امکان مسافرت رفتن	عدم امکان کسب شناخت در دوران آشنایی قبل از ازدواج	
بالابودن هزینه‌های شروع زندگی، بیکاری، درآمد پایین	هزینه‌های بالای ازدواج	
بی‌توجهی به حقوق زن، مخالفت با دیدگاه‌های مذهبی، مخالفت با تعصبات فرهنگی	نقد دیدگاه‌های دینی حاکم بر ازدواج	**رویکرد انتقادی به ساختارهای اجتماعی ازدواج**
قرارداد در ازدواج یعنی معامله‌گری، عدم اعتقاد به محضر رفتن، حاکمیت قوانین مردسالارانه	نقد قوانین حقوقی ازدواج	
فرسایشی بودن پروسه طلاق، پرداخت هزینه‌های بالای وکیل، عدم وجود حمایت قانونی از زنان	نقد قوانین حقوقی طلاق	

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-09-15]

[DOI: 10.22034/30.2.97]

ترس از برچسب‌های اجتماعی، پیشنهاد والدین به هم‌باشی برای کسب شناخت، تأکید بر مادام‌العمر بودن ازدواج	ترس والدین از طلاق	**بازدارندگی پدیده طلاق**
درگیرشدن خانواده‌ها در پروسه طلاق، بروز آسیب‌های شدید، تبدیل‌شدن عشق و علاقه قبلی به نفرت	پیامدهای اجتماعی طلاق	
عدم درگیری قانونی، اتمام رابطه طی توافق طرفین، امکان برگشت‌پذیری پیش خانواده، عدم تحت‌الشعاع قرارگرفتن آینده	کاهش آسیب ناشی از جدایی در هم‌باشی	
دروغ گفتن به خانواده، حضور خانواده در خارج از تهران، عدم حمایت از فرزندان، بی‌توجهی به فرزندان	ضعف کنترل و نظارت خانواده	**تغییر در کارکردهای خانواده**
وجود تنش و درگیری با خانواده، عدم اعتقاد به رسومات خانوادگی، عدم‌پذیرش تفاوت‌ها از سوی خانواده، عدم شناخت صحیح خانواده از فرزندان، عدم انتقال احساس ارزشمندبودن به فرزندان	شکاف نسلی در خانواده	
عدم اعتقاد به خطبه عقد، عدم اهمیت مناسک ازدواج در خانواده، عدم اعتقاد به سنت‌ها و مهریه و نفقه	ضعف اعتقادات دینی خانواده	
عدم‌پذیرش پارتنر به‌عنوان داماد خانواده، موافقت با اکراه خانواده، حفظ حقوق بازنشستگی پدر خانواده	کنارآمدن خانواده با هم‌باشی (نه تأیید، نه رد)	
ایجاد روشنگری در فضای مجازی، تأثیر دانشگاه و ارتباطات دانشگاهی، تأکید بر رعایت حقوق اجتماعی زنان	افزایش سطح آگاهی	**گسترش شبکه ارتباطی**
پذیرش از سوی دوستان، تمایل دوستان متأهل به انتخاب هم‌باشی، حضور دوستان هم باش	حمایت دوستان	
گسترش روابط با دوستان هم باش، فاصله‌گرفتن از روابط خانوادگی، راحتی در برقراری ارتباط با افراد هم باش	تشکیل شبکه ارتباطی مشترک	
افزایش سطح آگاهی مردم، پذیرش تدریجی هم‌باشی در جامعه، کاهش هزینه‌های ازدواج	گستردگی هم‌باشی	**ایجاد تغییرات اجتماعی و فرهنگی و بازاندیشی سنت‌ها**
تشویق دیگران به انتخاب هم‌باشی، تمایل بستگان به انتخاب هم‌باشی، تشویق کسب تجربه هم‌باشی قبل از ازدواج	تلاش برای آگاه‌سازی	
شکستن قالب اجتماعی نقش‌زن و شوهری، اعلام مبارزه مدنی، اعتراض به نابرابری علیه زنان، اعلام مخالفت با تابوهای اجتماعی	مبارزه و اعتراض مدنی به ساختارهای حاکم	
زندگی مشترک یعنی رابطه دونفره بدون دخالت بیرونی، هم‌باشی یعنی عشق و علاقه طرفین بدون وجود قرارداد رسمی، زندگی مشترک یعنی عدم درگیری قانونی، ازدواج یعنی اجبار در ادامه‌دادن به زندگی، هم‌باشی یعنی انتخاب بهترین شکل رابطه، ازدواج یعنی محدودیت	بازتعریف مفاهیم ازدواج	
مطابق میل خود رفتارکردن، اهمیت حریم شخصی، آزادی عمل برای جدایی، اهمیت نیازهای فردی، کسب استقلال و قدرت انتخاب در رابطه	فردگرایی	**لیبرالیسم اخلاقی**
کسب تجربه یک زندگی مستقل، انتخاب یک زندگی نوین، امکان انتخاب یک زندگی آگاهانه	کسب تجربه جدید در زندگی	
فرار از نقش‌ها و وظایف اجتماعی، ترس از نقش مادری، عدم تمایل به فرزندآوری	عدم‌پذیرش نقش‌های اجتماعی ازدواج	
عدم اهمیت باکرگی، داشتن رابطه جنسی سالم، داشتن یک جایگاه امن در ارتباط جنسی	اسطوره‌زدائی از رابطه جنسی	

ویژگی‌های فردی و تجارب زیسته

این مقوله از سه زیرمقوله «تنهایی، نگرش متأثر از رشته تحصیلی، تجربه زندگی مستقل مجردی» انتزاع یافته است. بر اساس مصاحبه‌های انجام شده، مشارکت‌کنندگان به ویژگی‌های فردی و تجربیات زیسته خود اشاره نموده‌اند که در ادامه برخی از این نظرات آورده شده است:

تنهایی به‌عنوان یکی از مضامین اولیه از مفاهیم «رفع زمان تنهایی، بازگشت به زندگی متأثر از فوت بستگان، تأمین نیاز

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-09-15]

[DOI: 10.22034/30.2.97]

روحی روانی و عاطفی» به‌دست‌آمده است. کد ۱۶ در ارتباط رفع تنهایی ناشی از فوت بستگان مطرح می‌کند: «بعد از فوت پدرم از لحاظ روحی شرایط خیلی بدی داشتم و این رابطه خیلی کمکم کرد که تنها نباشم و به زندگی عادی برگردم».

همچنین کد ۹ در خصوص رفع زمان تنهایی مطرح می‌کند: «تنهایی آدما باعث رفتن به این سمت و سو میشه، خیلیاشون یا طلاق گرفتن و ازدواج مجدد نکردن یا کلاً مجردن و تو سن ۴۰ -۴۵ سالگی دیگه دنبال دوست دختر دوست پسر بودن نیستند و بیشتر به فکر ثبات هستند و میخوان از تنهایی که هستن بیرون بیان و میرن سراغ ازدواج سفید».

۲-۱) نگرش متأثر از رشته تحصیلی:

این مضمون اولیه از مفاهیم «تجربه حضور در دانشگاه، دانش نظری در حوزه ساختارهای اجتماعی، تأثیر حرفه شغلی» به‌دست‌آمده است. کد ۵ در ارتباط با تجربه حضور در دانشگاه مطرح می‌کند: «وقتی من دانشگاه اومدم، طرز تفکرم خیلی عوض شد و تجربه‌های بیشتری رو کسب کردم».

کد ۱۸ در زمینه دانش نظری در حوزه ساختارهای اجتماعی مطرح می‌کند: «بر اساس شناختم از بچه‌های فلسفه، ما تقسیم میشیم به دو دسته،گروه اول تبدیل به انسان‌هایی با دیدگاه ماتریالیستی میشن که فکر میکنن هر چیزی که هست در همین دنیاست پس تصمیمات آزادانه‌تری در قبال خودشون دارن و من جزو این دسته هستم و معمولاً سعی می‌کنم خودمو تو چارچوب ساختارهای جامعه نزارم و از اتفاقات جدید تو زندگیم استقبال کنم چون تنها چیزی که دارم همین تجربه‌هایی که تو این دنیا کسب می‌کنم و دسته‌ی دوم که جمعیت بسیار کمتری دارن کسایی هستن که به جهان پس از مرگ معتقدن».

کد ۸ در ارتباط با تأثیر شغل مطرح می‌کند: «تقریباً ازدواج سفید در بین بچه‌های هنر اصلاً غیرعادی نیست و از نظرشون یه سبک زندگی خیلی عادی و طبیعیه».

۳-۱) تجربه زندگی مستقل مجردی:

بر اساس مفاهیم پرتکرار «حضور خانواده در خارج از تهران، داشتن منزل مستقل زمان مجردی، زندگی دانشجویی در تهران» این مضمون اولیه به‌دست‌آمده است. کد ۳ در ارتباط با زندگی دانشجویی در تهران مطرح می‌کند: «زمان دانشجویی در تهران که خانه مستقل داشتم، با پارتنرم همخونه شدیم».

کد ۱۲ در ارتباط با داشتن منزل مستقل زمان مجردی مطرح می‌کند: «وقتی از شوهر سابقم جدا شدم، بدون حمایت هیچ کس باید مستقل زندگیم را اداره می‌کردم تا اینکه با فردی که از قبل می‌شناختم تصمیم گرفتیم زندگی کنیم».

بروز برخی اتفاقات و رخدادها در زندگی شخصی و شیوه مواجه‌شدن با آن، کسب تجربیات جدید و تجربیات زندگی در قبل از ازدواج، منجر به تفسیر و تحلیل‌های مختلفی از سوی زنان در خصوص زندگی زناشویی و شیوه زندگی مشترک می‌گردد و بر نوع رفتار و چگونگی برخورد آن‌ها و انتخاب نوع سبک زندگی تأثیرگذار است.

تأثیر مسائل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر گسترش مشکلات ازدواج

دومین مقوله اصلی در این پژوهش از پنج زیرمقوله «دخالت دیگران در ازدواج، یکنواختی زندگی در ازدواج، عدم وجود بستر اجتماعی برای شناخت از جنس مخالف، عدم امکان کسب شناخت در دوران آشنایی قبل از ازدواج، هزینه‌های بالای ازدواج» انتزاع یافته است. در ادامه نظرات مشارکت‌کنندگان توضیح داده می‌شود:

۱-۲) دخالت دیگران در ازدواج:

این مقوله اولیه از مفاهیم «وجود انتظارات و توقعات زیاد اطرافیان، ارجحیت مصلحت‌های خانوادگی، برخورد نامناسب خانواده با مشکلات زوجین» به‌دست‌آمده است. کد ۶ در ارتباط با دخالت‌های خانواده در ازدواج مطرح می‌کند: «در ازدواج رسمی خانواده نظر میده چون فکر میکنن باید ازدواج رسمی ابدی باشه».

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-09-15]

[DOI: 10.22034/30.2.97]

کد ۱۴ در ارتباط با انتظارات زیاد دیگران مطرح می‌کند: «سطح توقع خانواده‌ها و اطرافیان از ازدواج یک تعریف و چهارچوبی داره که دیگه به دنیای امروز تعلقی نداره و جایگاهی نداره».

همچنین کد ۱۷ در راجع به برخوردهای نامناسب خانواده‌ها با مشکلات زوجین مطرح می‌کند: «جامعه مردسالار ما خیلی راحت‌تر تو امور زنان دخالت میکنه».

۲-۲) یکنواختی زندگی در ازدواج:

بر اساس مفاهیم پرتکرار «کیفیت پایین زندگی در ازدواج، تجربیات تلخ از ازدواج، تعریف نقش‌زن خونه، کم‌شدن رابطه جنسی در ازدواج»، این مقوله اولیه استخراج شده است. کد ۷ در ارتباط با تجربیات تلخ از ازدواج مطرح می‌کند: «متأسفانه تا آدم خودش تجربه نکنه به نتیجه نمیرسه که ازدواج سفید از رسمی شدنش خیلی بهتره».

کد ۱۱ در ارتباط با کیفیت پایین زندگی در ازدواج مطرح می‌کند: «با همین تجربه‌ای که ما تو ازدواج سفید به دست آوردیم اگه به گذشته برگردیم هیچ وقت ازدواج رسمی نمی‌کنیم، به خاطر اینکه چون تو تجربه ازدواج قبلی‌مون فشار زندگی رومون خیلی زیاد بود و بار مشکلات به شدت روی دوش آدم سنگینی می‌کرد».

۳-۲) عدم وجود بستر اجتماعی برای شناخت از جنس مخالف:

این زیرمقوله از مفاهیم پرتکرار «سرزنش‌شدن توسط خانواده، عدم‌پذیرش در جامعه، اصرار خانواده به رسمی کردن روابط دوستی» در نظرات مشارکت‌کنندگان استخراج شده است. کد ۴ در ارتباط با عدم پذیرش روابط دوستی با جنس مخالف در جامعه مطرح می‌کند: «به خاطر اینکه هیچ تجربه ارتباط قبلی با پسر ندارم و شناختی ندارم، نمیتونم تصور کنم با کسی که اصلا نمیشناسمش چطوری میتونم ازدواج کنم»

کد ۱ راجع به مورد سرزنش واقع شدن توسط خانواده مطرح می‌کند: «ما دهه شصتی‌ها از همه چی محروم بودیم، حتی جرات نمی‌کردیم پیش خانواده راجع به دوست پسرمون صحبت کنیم یا اجازه بدیم تو کوچه‌مون بیاد».

۴-۲) عدم امکان کسب شناخت در دوران آشنایی قبل از ازدواج:

بر اساس مفاهیم پرتکرار «عدم‌پذیرش طولانی‌شدن دوران نامزدی، رواج سبک سنتی ازدواج، عدم امکان مسافرت رفتن» این زیر مقوله به‌دست‌آمده است. کد ۱۲ راجع به سبک زندگی ازدواج مطرح می‌کند: «به قول معروف که میگن ازدواج یک هندوانه در بسته است، واقع تو ازدواج رسمی تو اصلاً نمیتونی به اطمینان برسی که طرف مقابلت خوبه یا نه چون شناخت کافی ازش بدست نمیاری تا زمانی که زیر یه سقف اومد تازه خود واقعیش رو نشون میده».

کد ۱۰ در ارتباط با عدم امکان مسافرت رفتن مطرح می‌کند: «وقتی با یک نفر قبل از ازدواج تو یک خونه زندگی کنی، باهاش مسافرت بری، یا حتی باهاش مهمونی بری و با خانواده‌اش رفت‌وآمد کنی کاملاً میشناسیش؛ اما اگه فقط باهاش بری کافی شاپ و رستوران که شناخت ایجاد نمیشه».

۵-۲) هزینه‌های بالای ازدواج:

این زیر مقوله برگرفته از مفاهیم «بالابودن هزینه‌های شروع زندگی، بیکاری، درآمد پایین» است. کد ۱۴ در ارتباط با هزینه‌های شروع زندگی مطرح می‌کند: «وقتی که باهم زندگی می‌کنیم کل هزینه‌های زندگیمون نصف میشه».

کد ۱۳ راجع به درآمد پایین مطرح می‌کند: «اگر قرار بود من با پارتنرم ازدواج کنم، با این هزینه‌های بالای عروسی و درآمدهای ناچیزی که ما داریم هیچ‌وقت وسعمان نمی‌رسید ونمیتونستم لحظه‌ای از زندگی باهاش رو تجربه کنم».

این مشکلات اجتماعی فرهنگی و اقتصادی، زندگی زوجین را درگیر مسائل و مشکلات متعددی نموده، به‌گونه‌ای که انگیزه

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-09-15]

[DOI: 10.22034/30.2.97]

زنان به ازدواج را کم‌رنگ نموده و باتوجه‌به ماهیت زندگی هم‌باشی که یک رابطه دونفره بوده و فارغ از این مسائل است، آنان را به سمت انتخاب سبک زندگی هم‌باشی به‌عنوان برون‌رفتی از مشکلات ازدواج سوق می‌دهد.

رویکرد انتقادی به ساختارهای اجتماعی ازدواج

سومین مقوله اصلی در این پژوهش از سه زیرمقوله «نقد دیدگاه‌های دینی حاکم بر ازدواج، نقد قوانین حقوقی ازدواج، نقد قوانین حقوقی طلاق» انتزاع یافته است و در ادامه این زیرمقوله‌ها توضیح داده می‌شود:

۱-۳) نقد دیدگاه‌های دینی حاکم بر ازدواج:

بر اساس مفاهیم پرتکرار «بی‌توجهی به حقوق زن، مخالفت با دیدگاه‌های مذهبی، مخالفت با تعصبات فرهنگی» این زیر مقوله گرفته شده است. کد ۱۹ در ارتباط با مخالفت با دیدگاه‌های مذهبی مطرح می‌کند: «چیزی که در ازدواج رسمی اصلاً بهش اعتقاد نداشتم قضیه مذهبی داستان بود و بنظرم خواستگاری، مهریه و عروسی یعنی فروش زن به مرد».

کد ۱۴ راجع به بی‌توجهی به حقوق زن مطرح می‌کند: «تو این سبک زندگی همینکه برخلاف عقاید دینی اسم آدم زن خونه نیست کافیه».

نقد قوانین حقوقی ازدواج:

این زیر مقوله برگرفته از مفاهیم «قرارداد در ازدواج یعنی معامله‌گری، عدم اعتقاد به محضر رفتن، حاکمیت قوانین مردسالارانه» است. کد ۹ در ارتباط با معامله‌گری در ازدواج مطرح می‌کند: «وقتی که من رو با مقداری طلا به‌عنوان مهریه به یک مرد میفروشن، معلومه که اون مرد دختر رو میذاره توی لیست اموالش که پولشو داده».

کد ۱۵ راجع به قوانین مردسالارانه در ازدواج مطرح می‌کند: «از اینکه پدرم بخواهد برایم عروسی بگیرد و رفتاری انسانی با ابتذال مفهومی به ظاهر مقدس مثل تشکیل خانواده مخلوط شود، مشکل داشتم».

نقد قوانین حقوقی طلاق:

مفاهیم پرتکراری همچون «فرسایشی بودن پروسه طلاق، پرداخت هزینه‌های بالای وکیل، عدم وجود حمایت قانونی از زنان» این زیرمقوله را شکل داده‌اند. کد ۱۶ در ارتباط با آسیب‌های پروسه طلاق برای زنان مطرح می‌کند: «پدرم خودشون وکیل بودن و دادگاه‌ها رو خیلی دیدم و پروسه‌های طلاقی دیدم که ده سال طول کشیده و این آدم‌ها رو نابود میکنه».

کد ۱۸ در ارتباط با عدم وجود حمایت قانونی از زنان مطرح می‌کند: «مرد حق طلاق داره و به راحتی میتونه بدون اینکه من مطلع باشم، من رو طلاق بده».

کد ۱۱ راجع به جنگیدن زنان برای گرفتن حق‌وحقوق خود مطرح می‌کند: «در زندگی قبلی علیرغم خیانتی که همسرم به من کرده بود و پرونده ضرب و شتم پزشک قانونی هم داشتم به سختی تونستم جدا بشم».

رشد دیدگاه‌های فمینیستی مبنی بر عدم برتری مردان نسبت به زنان، رشد آگاهی زنان و پایبندی به این دیدگاه‌ها و تأکید بر اجرای اصول آن در زندگی فردی خود، منجر به رشد تفکرات انتقادی زنان نسبت به دیدگاه‌های دینی و حقوقی حاکم بر ازدواج در جامعه ایران گردیده و سنت‌ها، رسم و رسومات فرهنگی و ساختارهای اجتماعی ازدواج که متأثر از آن است را مورد نقد و چالش قرار می‌دهند.

بازدارندگی پدیده طلاق

این مقوله به‌عنوان چهارمین مقوله اصلی در این پژوهش از سه زیرمقوله «ترس والدین از طلاق، پیامدهای اجتماعی طلاق، کاهش آسیب ناشی از جدایی در هم‌باشی» انتزاع یافته است و در ادامه به تشریح آن‌ها پرداخته شده است:

ترس والدین از طلاق:

مفاهیم پرتکراری همچون «ترس از برچسب‌های اجتماعی، پیشنهاد والدین به هم‌باشی برای کسب شناخت، تأکید بر مادام‌العمر بودن ازدواج» این زیرمقوله را شکل داده است. کد ۱۸ در ارتباط با اصرار خانواده‌ها بر مادام‌العمر بودن ازدواج

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-09-15]

[DOI: 10.22034/30.2.97]

مطرح می‌کند: «رفتار خانوادم مصداق همون ضرب‌المثله که دختر با لباس سفید میره و باید با کفن سفید از خونه شوهر بیاد»

.کد ۱۴ راجع به برچسب‌های اجتماعی طلاق بیان می‌کند: «چند سال قبل وقتی خواهرم طلاق گرفت همه راجع به دلیل جداییش صحبت میکردن ومیگفتن حتما یه مشکلی داشته که طلاقش دادن».

پیامدهای اجتماعی طلاق

این زیر مقوله بر اساس مفاهیمی همچون «درگیرشدن خانواده‌ها در پروسه طلاق، بروز آسیب‌های شدید، تبدیل‌شدن عشق و علاقه قبلی به نفرت» شکل‌یافته است. کد ۱۰ در خصوص تبدیل شدن عشق و علاقه قبلی به نفرت به دلیل طلاق مطرح می‌کند: «تو پروسه دادگاهی اونقدر همسرم اذیتم کرد با وجودیکه این‌همه قبلاً دوسش داشتم ولی همش تبدیل به کینه و نفرت شد که یه آدم چقدر میتونه تغییر کنه؟».

کد ۲ در ارتباط با بروز آسیب‌های ناشی از طلاق مطرح می‌کند: «یه چیزی که من رو بعد از طلاق اذیت می‌کرد برچسب‌هایی مثل زن بیوه و زن مطلقه بود که از جامعه می‌گرفتم و چه نگاه‌های بدی که دیگران به خاطر اینکه من بیوه بودم به من میکردن».

کاهش آسیب ناشی از جدایی در هم‌باشی:

مفاهیم پرتکراری همچون «عدم درگیری قانونی، اتمام رابطه طی توافق طرفین، امکان برگشت‌پذیری پیش خانواده، عدم تحت‌الشعاع قرارگرفتن آینده» این زیر مقوله را شکل داده است. کد ۱۰ در ارتباط با امکان برگشت‌پذیری راحت‌تر پیش خانواده مطرح می‌کند: «این رابطه رو بهتر می‌بینم تا اینکه تو ازدواج رسمی ترس و وحشت از طلاق داشته باشم که بعد از چطوری میتونم پیش خانوادم برگردم. چون خانوادم دیگه بعدش اصلاً پذیرشم نمیکنن».

کد ۱۱ راجع به عدم درگیری قانونی مطرح می‌کند: «جدایی در هر حالتی سخته ولی وقتی تو اون شرایط ناراحتی، پروسه طلاق اتفاق بیفته و دادگاه بری و بدتر اینکه شاهد روی دیگه برخورهای زشت از طرف همسرت و خانوادش میشی خیلی سختتر میشه».

کد ۱۸ در خصوص اتمام رابطه طی توافق دو طرف بیان می‌کند: «تو ازدواج سفید اگر احساس کنی باید از پارتنرت جدا بشی بدون دردسر و دخالت دیگران و تنها با تصمیم شخصی خودت میتونی اقدام کنی».

باتوجه‌به روند روبه‌رشد پدیده طلاق در طول سال‌های اخیر در جامعه ایران، شرایطی ایجاد شده که خود زنان یا یکی از اعضای خانواده‌اش تجربه زیسته از مسائل و مشکلات متعدد اجتماعی طلاق را دارد و پیچیدگی مسائل و مشکلات آن در جامعه ایران، عامل بازدارنده قوی برای ازدواج ایجاد نموده و از سوی دیگر فقدان آسیب اجتماعی ناشی از جدایی در هم‌باشی، زنان را به انتخاب این سبک زندگی سوق می‌دهد.

تغییر در کارکردهای خانواده

تغییر در کارکردهای خانواده به‌عنوان دیگر مقوله اصلی در این پژوهش از چهار زیر مقوله «ضعف کنترل و نظارت خانواده، شکاف نسلی در خانواده، ضعف اعتقادات دینی خانواده، کنارآمدن خانواده با هم‌باشی (نه تأیید، نه رد)» انتزاع یافته است و در ادامه این زیر مقوله‌ها توضیح داده می‌شود:

ضعف کنترل و نظارت خانواده:

این زیر مقوله بر اساس مفاهیمی همچون «دروغ گفتن به خانواده، حضور خانواده در خارج از تهران، عدم حمایت از فرزندان، بی‌توجهی به فرزندان» شکل‌یافته است. کد ۱۸ در خصوص پنهان کاری هم‌باشی از خانواده مطرح می‌کند: «پارتنرم مثل من به خانوادش دروغ میگفت که میره پیش دوستایی که میشناختنش».

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-09-15]

[DOI: 10.22034/30.2.97]

کد ۱۰ در ارتباط عدم توجه خانواده‌ها به فرزندان مطرح می‌کند: «پدرم اصلاً اطلاعی نداره چون کارش جوریه که خیلی مسافرت میره و کمتر تهرانه که فکر کنه من تو خونه حضور دارم یا نه».

کد ۱۱ در خصوص عدم حمایت والدین از دختران مطرح می‌کند: «پدرم از لحاظ مالی شرایط خوبی داره ولی اصلاً دختر رو فرزند به حساب نمیاره».

شکاف نسلی در خانواده:

مفاهیم پرتکراری همچون «وجود تنش و درگیری با خانواده، عدم اعتقاد به رسومات خانوادگی، عدم‌پذیرش تفاوت‌ها از سوی خانواده، عدم شناخت صحیح خانواده از فرزندان، عدم انتقال احساس ارزشمندبودن به فرزندان» این زیر مقوله را شکل داده است. کد ۳ در خصوص عدم اعتقاد به سنت‌ها و رسم و رسومات خانوادگی مطرح می‌کند: «با پدر مادرم بحث داشتم که مخالف ازدواجم و اونام برخوردای شدیدی داشتن ولی من کاری با این تفکرات منسوخ شده اونا ندارم».

کد ۹ در ارتباط با عدم پذیرش تفاوت‌ها از سوی والدین مطرح می‌کند: «رابطه‌ام را به دلیل سنتی بودن مادرم ازش پنهان کردم چون خیلی تفاوت فکری داریم و اون به هیچ‌وجه حرف منو متوجه نمیشه».

کد ۱۸ راجع به عدم انتقال احساس ارزشمند بودن به فرزندان مطرح می‌کند: «بعد از دانشگاه، خانوادم تحت فشارم گذاشتن که شهرستان برگردم و استقلالم رسمیت نداشت. من باید راهی پیدا می‌کردم تهران بمونم».

کد ۵ در خصوص وجود تنش و درگیری با خانواده مطرح می‌کند: «همیشه با خانوادم درباره اینکه کدوم کجا میرم دعوام می‌شد، از وقتی با ازدواج سفید مستقل شدم دیگه مجبور نیستم کنارشون باشم و حتی تو مهمونیای خانواده هم شرکت کنم».

ضعف اعتقادات دینی خانواده:

این زیر مقوله از مفاهیمی پرتکرار همچون «عدم اعتقاد به خطبه عقد، عدم اهمیت مناسک ازدواج در خانواده، عدم اعتقاد به سنت‌ها و مهریه و نفقه» به‌دست‌آمده است. کد ۶ در خصوص عدم اهمیت مناسک ازدواج در خانواده مطرح می‌کند: «خانوادم هیچ اعتقادی به خطبه عقد و محرم و نامحرم بودن ندارن، چون جز بدبخت کردن دخترا هیچ تأثیر مثبتی تو زندگیشون نداره».

کد ۱۰ درباره پایبندی به اصول انسانی به جای اعتقاد به سنت‌ها مطرح می‌کند: «تو خانواده جوری بزرگ شدم که پایبند به هیچ دین و مذهبی نباشم، بلکه پایبند به اصول و ارزش‌های انسانی باشم».

کنارآمدن خانواده با هم‌باشی (نه تأیید، نه رد):

این زیر مقوله بر اساس مفاهیم «عدم‌پذیرش پارتنر به‌عنوان داماد خانواده، موافقت با اکراه خانواده، حفظ حقوق بازنشستگی پدر خانواده» استخراج شده است. کد ۱۴ درباره موافقت با اکراه خانواده مطرح می‌کند: «اگر پدر و مادر ما اصرار میکردن شما باید ازدواج رسمی کنید، یا رابطه ما به هم می‌خورد یا اینکه مجبور بودیم عقد رسمی کنیم. خانواده‌های ما درسته موافقت قطعی خودشونو اعلام نکردن؛ اما به هر صورت با این مسئله کنار اومدن و هیچ مشکلی نبود».

کد ۴ مطرح می‌کند: «خانواده من هنوز به این باور نرسیدن که پارتنرم داماد خانواده‌شونه و حتی اجازه همراهی با خانواده‌مون در مسافرت‌های خانوادگی نداره».

کد ۱۳ در خصوص حفظ حقوق بازنشستگی پدر خانواده مطرح می‌کند: «خیلی از خانما که دارن حقوق بازنشستگی پدرشونو میگیرن، تمایلی به ازدواج رسمی ندارن چون از این طریق حقوق بازنشستگیه قطع میشه».

در ایران به پیروی از این سبک زندگی غربی، کارکردهای خانواده که متأثر از سنت‌ها، اصول و ارزش‌های دینی اسلامی است، دستخوش تغییراتی شده است و دوری فرزندان از زادگاه خود به دلیل ادامه تحصیل در دانشگاه‌های شهر تهران، امکان اخذ تصمیمات مستقل و بدون نظارت

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-09-15]

[DOI: 10.22034/30.2.97]

خانواده و پنهان‌کاری سبک زندگی خود از خانواده را مهیا نموده است.

گسترش شبکه ارتباطی

این مقوله به‌عنوان دیگر مقوله اصلی در این پژوهش از سه زیرمقوله «افزایش سطح آگاهی، حمایت دوستان، تشکیل شبکه ارتباطی مشترک» انتزاع یافته است و در ادامه این زیر مقوله‌ها توضیح داده می‌شود:

افزایش سطح آگاهی:

این زیر مقوله بر اساس مفاهیم «ایجاد روشنگری در فضای مجازی، تأثیر دانشگاه و ارتباطات دانشگاهی، تأکید بر رعایت حقوق اجتماعی زنان» شکل‌گرفته است. کد ۶ در ارتباط با تأثیرات فضای مجازی مطرح می‌کند: «خانواده‌هامون امروزه مثل تقریباً همه‌ی ایرانی‌ها و به لطف توسعه فنّاوری و فضای مجازی نسبت به قبل تفکرات بازتری پیدا کردن».

کد ۱۸ در خصوص تأثیر دانشگاه و ارتباطات دانشگاهی مطرح می‌کند: «هر آن چیزی رو که از زندگی یاد گرفتم تو همون دوران دانشجویی بود که دیدگاهم رو نسبت به دنیا و جامعه تغییر داد».

حمایت دوستان:

مفاهیم «پذیرش از سوی دوستان، تمایل دوستان متأهل به انتخاب هم‌باشی، حضور دوستان هم باش» این زیر مقوله را شکل داده‌اند. کد ۱۲ در خصوص حضور دوستان هم‌باش مطرح می‌کند: «بیشتر دوستانم همین سبک زندگی رو دارن و این مساله خیلی عادی شده و احساس امنیت داریم».

کد ۳ در ارتباط با همراهی دوستان در رفع مسائل هم‌باشی مطرح می‌کند: «ممکنه با مشکلات دسترسی به پزشک زنان مواجه بشی؛ اما دوستانمون تو این زمینه کمک میکنن که مواقع بحران پیش این پزشک‌ها بریم».

تشکیل شبکه ارتباطی مشترک:

مفاهیم پرتکراری همچون «گسترش روابط با دوستان هم باش، فاصله‌گرفتن از روابط خانوادگی، راحتی در برقراری ارتباط با افراد هم باش» منتج به استخراج این زیر مقوله شده‌اند. کد ۴ در ارتباط با گستردگی روابط افراد هم‌باش با دوستانی که شرایط مشابه زندگی دارند مطرح می‌کند: «با دوستامون که ازدواج سفید کردن جامعه کوچکی داریم و در کنار همیم».

کد ۷ در خصوص راحتی در برقراری ارتباط با افرادی که به صورت هم‌باشی زندگی می‌کند، عنوان می‌کند: «اولین بار یکی از دوستام منو به یکسری از دوستاش معرفی کرد که تجربه طلاق داشتن و تنها زندگی میکردن یا ازدواج سفید کرده بودن، منم برام جذاب شد و حتی بعد از ازدواج سفید این شبکه ارتباطی با دوستانمون رو حفظ کردیم».

تشویق و حمایت دوستان و کسب دانش و اطلاعات از این سبک زندگی در فضای مجازی بستری برای زنان جهت گرایش به انتخاب آن فراهم نموده است و موضوع قابل‌توجه شکل‌گیری شبکه ارتباطی درون‌گروهی با دوستانی است که به سبک هم‌باشی زندگی می‌کنند.

ایجاد تغییرات اجتماعی و فرهنگی و بازاندیشی سنت‌ها

این مقوله به‌عنوان یکی دیگر از مقوله‌های اصلی این پژوهش از چهار زیرمقوله «گستردگی هم‌باشی، تلاش برای آگاه‌سازی، مبارزه و اعتراض مدنی به ساختارهای حاکم، بازتعریف مفاهیم ازدواج» انتزاع یافته است و در ادامه این زیر مقوله‌ها تشریح می‌شود:

گستردگی هم‌باشی:

مفاهیم پرتکراری همچون «افزایش سطح آگاهی مردم، پذیرش تدریجی هم‌باشی در جامعه، کاهش هزینه‌های ازدواج» این زیر مقوله را شکل داده است. کد ۴ در ارتباط با کاهش هزینه‌های ازدواج مطرح می‌کند: «به دلیل مشکلات مالی، مهریه، نفقه، عروسی گرفتن، وسیله خریدن و ... دختر و پسر همگی یه جوری دارن فرار میکنن از ازدواج».

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-09-15]

[DOI: 10.22034/30.2.97]

کد ۱۱ در ارتباط با روشنگری مردم نسبت به هم‌باشی مطرح می‌کند: «قبلاً خیلی ساختارشکنی محسوب می‌شد؛ اما امروزه آدما و حتی حکومت راحت‌تر راجع بهش حرف می‌زنند و بخشی از زندگی اجتماعی شده».

تلاش برای آگاه‌سازی:

این زیر مقوله بر اساس مفاهیم «تشویق دیگران به انتخاب هم‌باشی، تمایل بستگان به انتخاب هم‌باشی، تشویق کسب تجربه هم‌باشی قبل از ازدواج» به‌دست‌آمده است. کد ۳ راجع به کسب تجربه هم‌باشی جوانان در قبل از ازدواج مطرح می‌کند: «هیچ‌کس بدون مدتی ازدواج سفید نباید ازدواج رسمی کنه، من همیشه با دیگران صحبت می‌کنم که نسبت بهش آگاه‌تر بشن».

کد ۱۵ درباره تمایل بستگان به انتخاب هم‌باشی مطرح می‌کند: «الگویی برای خیلی از دوستانم شدم حتی آیده ال آن‌ها هم بود ولی اولش به خاطر تعارفات خانوادگی و تابوهای اجتماعی نمیتونستن مثل ما باشند».

۳-۷) مبارزه و اعتراض مدنی به ساختارهای حاکم:

این زیر مقوله برگرفته از مفاهیم «شکستن قالب اجتماعی نقش‌زن و شوهری، اعلام مبارزه مدنی، اعتراض به نابرابری علیه زنان، اعلام مخالفت با تابوهای اجتماعی» است. کد ۱۷ با بحث در مورد اعتراض به نابرابری علیه زنان بیان می‌کند: «ازدواج سفید یه راهیه که خانوم‌ها در نظر گرفتن زندگی راحتتری داشته باشن تا زمانی که از نظر قانونی نابرابری علیه زنان رفع شده و مسائل ازدواج رسمی درست بشه».

کد ۱۲ با طرح موضوع شکستن قالب اجتماعی نقش‌های زن و شوهری مطرح می‌کند: «این یه نوع مبارزه است و میخوام علیه وظایف زن خونه بودن مبارزه کنم. حاضر نیستم زیر بار اون چیزی برم که قانون میگه. قانون میگه در صورتی زن و شوهرید که عقد رسمی کنید؛ اما من میگم زن و شوهریم و عقد نمی‌کنیم».

کد ۱ موضوع مبارزه مدنی زنان را مطرح کرده و بیان می‌کند: «این یه کنش اجتماعیه و با اینکار اعتراض می‌کنم به حقوق ازدست رفته‌ام».

بازتعریف مفاهیم ازدواج:

این زیر مقوله بر اساس مفاهیم «زندگی مشترک یعنی رابطه دونفره بدون دخالت بیرونی، هم‌باشی یعنی عشق و علاقه طرفین بدون وجود قرارداد رسمی، زندگی مشترک یعنی عدم درگیری قانونی، ازدواج یعنی اجبار در ادامه‌دادن به زندگی، هم‌باشی یعنی انتخاب بهترین شکل رابطه، ازدواج یعنی محدودیت» شکل‌گرفته است. کد ۱۰ در ارتباط با تعریف ازدواج به اجبار در ادامه دادن به زندگی مطرح می‌کند: «به نظر من ازدواج یعنی به هر قیمتی که شده و تو زندگیت هر وضعیتی که داری، به زندگیت ادامه بدی. من نمیخوام محکوم به رابطه با هر کیفیتی باشم».

کد ۱۳ در ارتباط با تعریف ازدواج به عنوان محدودیت مطرح می‌کند: «ناخودآگاه تعریف ازدواج برام معنی محدودیت و از دست دادن استقلال فردیه. به نظرم ازدواج سفید بهترین شکل زندگیه که افراد به خاطر یکدیگر کنار هم هستن و عشق و علاقه باعث پیوند رابطه است نه قرارداد رسمی و حقوقی».

کد ۹ در ارتباط با تعریف زندگی مشترک به رابطه دو نفره بدون دخالت هیچ عوامل بیرونی مطرح می‌کند: «به نظرم زندگی کردن با کسی که دوسش داری یک معنی مشخصی میده و اونم زمانیه که تو این رابطه دو نفره نه سنت‌ها، نه مذهب، نه دین، نه خانواده و نه جامعه هیچکدوم هیچ دخالتی تو زندگیت نداشته باشن».

ایجاد تغییرات اجتماعی و فرهنگی و بازاندیشی سنت‌ها از دلایل ایجاد تغییر در سبک زندگی و ساختار خانواده است که به‌صورت دوطرفه بوده و از یک‌سو با ایجاد تغییرات اجتماعی و فرهنگی در سطح کلان، سبک زندگی مردم و نقش‌های خانواده تغییر می‌یابد و از سوی دیگر افراد جامعه و از طریق بازاندیشی سنت‌ها در نوع نگرش و تغییرات رفتاری در سبک

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-09-15]

[DOI: 10.22034/30.2.97]

زندگی، خود منشأ ایجاد تغییرات اجتماعی و فرهنگی می‌گردند.

لیبرالیسم اخلاقی

لیبرالیسم اخلاقی به‌عنوان هشتمین مقوله در این مطالعه از چهار زیر مقوله «فردگرایی، کسب تجربه جدید در زندگی، عدم‌پذیرش نقش‌های اجتماعی ازدواج، اسطوره‌زدائی از رابطه جنسی» انتزاع یافته است و در ادامه این زیر مقوله‌ها تشریح می‌شود:

فردگرایی:

بر اساس مفاهیمی همچون «مطابق میل خود رفتارکردن، اهمیت حریم شخصی، آزادی عمل برای جدایی، اهمیت نیازهای فردی، کسب استقلال و قدرت انتخاب در رابطه» این زیر مقوله شکل‌گرفته است. کد ۳ در ارتباط با اهمیت حریم شخصی مطرح می‌کند: «حریم شخصی معنی پیدا میکنه و به آزادی‌های طرف مقابلم احترام میزاری».

کد ۱ با بحث در مورد کسب استقلال و قدرت انتخاب در رابطه بیان می‌کند: «من نمیتونم زیر بار قوانین مردسالارانه برم و نمیخوام آزادیم محدود بشه و برای هر کاری لنگ اجازه مرد باشم و این‌طوری آزادی عمل بیشتری دارم».

کد ۱۲ راجع آزادی عمل برای جدایی مطرح می‌کند: «به خودم میگم اگه ازدواج کنم نکنه فردا نظرم یه چیز دیگه‌ای بشه و آدمی که الان دوسش دارم فردا به هر دلیلی دیگه دوسش نداشته باشم».

کد ۱۴ درباره کسب استقلال و قدرت انتخاب در رابطه مطرح می‌کند: «تو این زندگی استقلالم حفظ میشه و محدود نیستم و میتونم مستقل سفر برم و نیاز جنسی‌ام به صورت سالم برآورده میشه و خیلی آزاد و خوشبختم».

کسب تجربه جدید در زندگی:

این زیرمقوله از مفاهیمی همچون «کسب تجربه یک زندگی مستقل، انتخاب یک زندگی نوین، امکان انتخاب یک زندگی آگاهانه» استخراج شده است. کد ۱۸ در ارتباط با امکان انتخاب یک زندگی نوین مطرح می‌کند: «معمولاً از اتفاقات جدید تو زندگیم استقبال می‌کنم چون تنها چیزی که دارم همین تجربه‌هاییه که تو این دنیا کسب می‌کنم».

کد ۴ درباره کسب تجربه یک زندگی مستقل مطرح می‌کند: «قبلاً تجربه زندگی مستقل نداشتم و خانوادم تهران بودند و تمام زندگی منم تهران بود و ازدواج سفید یاد داد که برنامه‌ریزی کردن برای زندگیم داشته باشم».

۳-۸) عدم پذیرش نقش‌های اجتماعی ازدواج:

این زیر مقوله بر اساس مفاهیم «فرار از نقش‌ها و وظایف اجتماعی، ترس از نقش مادری، عدم تمایل به فرزندآوری» شکل‌گرفته است. کد ۱۰ در ارتباط با مخالفت با ایفای نقش‌های اجتماعی مطرح می‌کند: «در ازدواج فقط همسر نیست بلکه به‌عنوان عروس خانواده، پدرشوهر و مادرشوهر و خواهرشوهرم هستند؛ اما الان فقط منم وپارتنرم».

کد ۲ درباره عدم تمایل به فرزندآوری مطرح می‌کند: «من تازه وارد دانشگاه شدم، تازه وارد چرخه جدیدی از زندگیم شدم اصلاً وقت بچه‌داری و نقش مادری ندارم».

اسطوره‌زدائی از رابطه جنسی:

این زیر مقوله از مفاهیم پرتکراری همچون «عدم اهمیت باکرگی، داشتن رابطه جنسی سالم، داشتن یک جایگاه امن در ارتباط جنسی» به‌دست‌آمده است. کد ۱۸ درباره داشتن یک جایگاه امن در ارتباط جنسی مطرح می‌کند: «قبل از ازدواج سفید، پیش دوست پسرم میموندم، رابطه جنسی همیشه برام اهمیت داشت و همینکه مکان امن و خوبی برای داشتن رابطه جنسی داشتیم خیلی برام خوب بود و قبلاً با دو تا از دوست پسرهام تجربه‌ی رابطه جنسی داشتم و سپس با همسرم رابطه جنسی رو تجربه کردم».

کد ۵ در ارتباط با عدم اهمیت باکره‌گی مطرح می‌کند: «دیگران میگفتن مگه میشه دختری بره با مردی زندگی کنه؛

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-09-15]

[DOI: 10.22034/30.2.97]

اما ازدواج رسمی نکنن و مسئله باکره‌گی براشون مهم بود ولی بنظرم این موضوع هیچ اهمیتی نداره».

کد ۱۴ در خصوص داشتن رابطه جنسی سالم مطرح می‌کند: «داشتن ارتباط جنسی ایمن و بر اساس اصول اخلاقی و انسانی همیشه برام اولویته و کلا تو زندگی تجربه‌های جدید رو دوست دارم».

لیبرالیسم اخلاقی بر پایه جدایی ارزش‌های اخلاقی از واقعیت و تأکید بر ارزش‌های فردی و سعادت فردی و توسعه دیدگاه‌های آزادی و استقلال فردی زنان در ازدواج، بستری برای گرایش به هم‌باشی فراهم نموده است.

بحث

پژوهش حاضر باهدف شناخت علل گرایش زنان در ایران به هم‌باشی و طی مصاحبه با ۱۹ زن ساکن در شهر تهران که به صورت هم‌باشی زندگی می‌کنند، انجام شد. به دلیل توجه و حساسیت نظری بالا، داده‌های استخراج شده با مفاهیم علمی منطبق بوده و دارای اعتبار علمی هستند. افراد مورد مصاحبه در این مطالعه، پایگاه اجتماعی اقتصادی متفاوتی داشته و در سطوح متفاوت خانوادگی و مذهبی قرار دارند، با این وجود، مورد قابل توجه در بین همه این افراد، سطح تحصیلات دانشگاهی و شاغل بودن آنان است که آن‌ها را در سطوح اجتماعی متوسط به بالا قرار داده است. بر اساس تجربیات زنان، علل گرایش به سبک زندگی هم‌باشی و هشت مضمون اصلی در نتایج این مطالعه را می‌توان در سه سطح خرد، سطح میانی و سطح کلان طبقه‌بندی کرد.

نمودار ۱: دلایل گرایش زنان به سبک زندگی هم‌باشی

همان‌گونه که از نمودار ۱ مشخص است ویژگی‌های فردی و تجارب زیسته و لیبرالیسم اخلاقی با رنگ قرمز بیانگر عوامل سطح خرد در گرایش زنان به هم‌باشی، سپس تغییر در کارکردهای خانواده و گسترش شبکه ارتباطی با رنگ سبز بیانگر عوامل سطح میانی در گرایش زنان به هم‌باشی و همچنین تأثیر مسائل اجتماعی فرهنگی اقتصادی بر گسترش مشکلات ازدواج، رویکرد انتقادی به ساختارهای اجتماعی ازدواج، بازدارندگی پدیده طلاق و ایجاد تغییرات اجتماعی فرهنگی و بازاندیشی سنت‌ها با رنگ آبی بیانگر تعدد بیشتر مضمون‌ها در این سطح و تأکید بیشتر نتایج این مطالعه بر

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-09-15]

[DOI: 10.22034/30.2.97]

گستردگی عوامل سطح کلان در گرایش زنان به انتخاب سبک زندگی هم‌باشی دارد.

سطح خرد: در نتایج این پژوهش، ویژگی‌های فردی و تجارب زیسته بر اساس نظریه کنترل Hirschi که به دلیل تنهایی و عدم نقش حمایتی خانواده و همچنین ادامه تحصیل در تهران و دورشدن از خانواده، نقش نظارتی والدین و جامعه کم‌رنگ شده و زنان آزادی عمل بیشتری برای انتخاب این سبک زندگی پیدا می‌کنند و دیدگاه Mannheim که باتوجه‌به تجربه زندگی مستقل مجردی و کسب تجربیات متفاوت با نسل گذشته، زنان نوع جدیدی از زندگی را انتخاب می‌کنند، قابل‌تبیین است. این یافته با نتایج مطالعه Yu J, Xie Y(۶) در خصوص رواج هم‌باشی در چین در بین افراد تحصیل‌کرده و نتایج مطالعه رمضانی‌فر و آدیش (۲۹) که بیشتر افراد هم باش در ایران دانشجویان دارای زیست دانشجویی بوده و نتایج مطالعه احمدی (۳۰) در عوامل زمینه‌ای همچون تجربه رابطه در گرایش افراد به هم‌باشی همسو است. همچنین لیبرالیسم اخلاقی بر اساس دیدگاه از خودبیگانگی Simmel در اشاره به رشد رو به تزاید فردگرایی در نسل جدید و دیدگاه Cohen در عدم شرایط ارضای مناسب و مشروع نیازهای عاطفی و جنسی و دیدگاه Michel Foucault در فوران شدید مسائل جنسی نامتعارف قابل‌تبیین است. ازدواج رسمی و تشکیل خانواده به دلیل تحمیل مجموعه‌ای از مسئولیت‌ها بر زوجین که آزادی عمل را سلب نموده و خواسته‌های فردی را نادیده می‌گیرد با نگرش نسل امروزی سازگار نبوده و هم‌باشی به دلیل اهمیت داشتن فردگرایی در آن مورد مطلوب است و کنشگران با تابوهای اجتماعی در روابط جنسی همچون حفظ باکرگی و داشتن رابطه جنسی در قالب ازدواج مخالفت می‌کنند و برقراری این رابطه از منظر تأمین یک نیاز فردی و در قالب یک رابطه سالم و انسانی موردتوجه است و تحت‌تأثیر فردگرایی، کسب استقلال فردی، کسب تجربه جدید در زندگی، عدم‌پذیرش نقش‌های اجتماعی ازدواج و اسطوره‌زدایی از رابطه جنسی بر گرایش به هم‌باشی نقش دارد. این یافته با نتایج مطالعه زینلی و همکاران (۳۱) در گسترش روابط آزاد جنسی، عدم‌پذیرش تعهد و مسئولیت‌پذیری و نتایج مطالعه زاهدی اصل و همکاران (۳۲) در عرصه تعادل جنسیتی؛ تغییر نگرش به باکرگی و نقش‌های جنسیتی؛ و نتایج مطالعه کاکاوند و خدابخشی کولائی (۳۳) در بی‌علاقگی زنان به پذیرش مسئولیت و راهی برای ارضای نیازهای جنسی و با نتایج سیاست‌های لیبرالیستی در مطالعه نصرتی نژاد و بهرامی (۸) همسو است؛ اما متفاوت از نتایج مطالعه مطلق (۳۴) در ناهنجارهای جنسی به‌عنوان عاملی مؤثر در شکل‌گیری پدیده هم‌باشی است.

سطح میانی: تغییر در کارکردهای خانواده بر اساس نظریه تأخر فرهنگی Ogburn در ایجاد تحول در خانواده و کم‌رنگ‌شدن کارکردهای اصلی خانواده متأثر از سنت‌ها و عرف جامعه همچون ضعف کنترل و نظارت خانواده، ناکارآمدی ارتباطات درون خانوادگی، ضعف اعتقادات دینی در خانواده و ایجاد شکاف نسلی در خانواده و همچنین دیدگاه تضاد ارزش‌ها در متفاوت و متضاد بودن هنجارها و ارزش‌های نسل امروزی با ارزش‌ها و هنجارهای نسل گذشته و پذیرش خانواده‌ها از اینکه نه امکان برخورد و مخالفت شدید و نه امکان‌پذیرش قطعی باورها و عقاید فرزندان خود دارند، قابل‌تبیین است و این موضوع خانواده‌ها را به کنارآمدن با سبک زندگی هم‌باشی فرزندان سوق می‌دهد. این یافته با نتایج مطالعه احمدی (۳۰) در عوامل مداخله‌گر همچون شرایط خانوادگی و کم‌رنگ شدن نظارت خانواده همسو است. همچنین توسعه بسترهای انتقال دانش و آگاهی در دنیای امروز، زمینه روشنگری و افزایش سطح آگاهی زنان نسبت به دیدگاه‌های فمنیستی و حقوق زنان را ایجاد نموده و گسترش

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-09-15]

[DOI: 10.22034/30.2.97]

شبکه ارتباطی بر اساس دیدگاه Riesman مبنی بر تضعیف سنت‌ها و نقش دیگران در شکل‌دهی به رفتار نسل امروزی قابل تبیین است. سنت، کارکرد خود را از دست داده و شخصیت افراد به سوی دوستان که نقش مهمی در زندگی افراد دارند هدایت می‌شود و در این شبکه ارتباطی با دوستان افزایش سطح آگاهی، حمایت دوستان و تشکیل شبکه ارتباطی مشترک بر انتخاب سبک زندگی هم‌باشی و استمرار این رابطه تأثیر می‌گذارد و آنچه برای این افراد مهم است قضاوت‌های دوستان است و بدون احساس پیوستگی با سنت-ها، به صورت دلخواه و آزادانه عمل می‌کنند و شبکه ارتباطی درون گروهی را با دوستانی شکل می‌دهند که سبک زندگی مشابهی دارند. این یافته با نتایج مطالعه شعاع کاظمی و همکاران(۳۵) در الگوپذیری، مطالعه خلج آبادی فراهانی(۹) در گسترش روابط با جنس مخالف قبل از ازدواج در بین جوانان و مطالعه احمدوند شاهوردی و همکاران(۷) در قرار گرفتن هم‌باشی در دسترس جوانان شهر تهران بیش از گذشته به عنوان یک سبک زندگی جایگزین ازدواج یا پیش از ازدواج و افزایش استفاده از فناوری نوین اطلاعاتی و ارتباطی در ایران در گرایش به هم‌باشی همسو است؛ اما با توجه به گستردگی شبکه ارتباطی این افراد با دوستان و همچنین حمایت و پذیرش از سوی آنان، متفاوت با نتایج مطالعه زاهدی اصل و همکاران(۳۲) مبنی بر طرد و انزوای اجتماعی است.

سطح کلان: تأثیر مسائل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر اساس دیدگاه مدرنیته در ایجاد دگرگونی در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که منجر به تغییر در ساختار خانواده، ازدواج و مفاهیم انسانی و اخلاقی وابسته به آن می‌گردد و دیدگاه مدرنیته سیال Bauman که افراد به‌جای پیوندهای ناگسستنی و همیشگی، تمایل به انتخاب پیوندهای سست دارند، قابل‌تبیین است. دخالت دیگران در ازدواج، تجربه زیسته از شکست‌های ازدواج، عدم وجود بستر اجتماعی برای شناخت از جنس مخالف، عدم امکان شناخت در دوران آشنایی قبل از ازدواج و گرانی و شرایط بد اقتصادی بر گسترش مشکلات ازدواج در جامعه ایران تأثیرگذار است و نسل امروزی هراس از این دارد که این ارتباط باوجود درگیری با مسائل و مشکلات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی برای همیشه باقی بماند و برای اجتناب از تجربه مسائل ازدواج، گرایش به انتخاب هم‌باشی دارد. این یافته با نتایج مطالعه رمضانی‌فر و آدیش (۲۹) در اشاره به سنت‌ها، فقر و نابرابری اجتماعی و با نتایج تحقیق واگنر(۳۶) در عدم آمادگی برای ازدواج و همچنین مطالعه مطلق و قریشی (۳۴) در عوامل اقتصادی و مطالعه محبوبی (۲۶) در هزینه بالای ازدواج و رهایی از مشکلات اقتصادی و اجتماعی به‌عنوان موانع و مشکلات ازدواج همسو است. رویکرد انتقادی به ساختارهای اجتماعی ازدواج بر اساس دیدگاه Berger & Luckmann که دین نظم اجتماعی را مشروعیت بخشیده و دیدگاه Durkheim در نقش مثبت و تأثیرگذار دین در جامعه و دیدگاه Hebdige در اعتراض و به چالش کشیدن نظم اجتماعی مسلط از طریق خرده‌فرهنگ‌ها و نظریه خرده-فرهنگی Birmingham در ابراز مخالفت افراد از طریق سبک زندگی خاص خود با مفروضات ایدئولوژیک نظام سرمایه‌داری قابل‌تبیین است. بر اساس نتایج این مطالعه می‌توان استدلال کرد که عدم پایبندی افراد هم باش به باورهای دینی و گسترش تقدس‌زدایی از دین در بین همباش‌ها به‌نوعی نظم اخلاقی که توسط دین در جامعه به وجود آمده است را مختل می‌کند و نسل امروزی دیدگاه‌های دینی حاکم بر ازدواج، قوانین حقوقی ازدواج، قوانین حقوقی طلاق و حمایت‌های بیشتر قانونی از مردان نسبت به زنان را به چالش کشیده و مورد نقد قرار می‌دهند و هم‌باشی به‌عنوان یک سبک زندگی نوین مورد انتخاب آنان در زندگی مشترک قرار می‌گیرد و می‌توان استدلال کرد که انتخاب هم‌باشی و نقض هنجارهای فرهنگ رسمی و سنتی توسط گروه‌هایی از جامعه جوانان می‌تواند در

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-09-15]

[DOI: 10.22034/30.2.97]

واقع نوعی مقاومت در برابر هنجارها و فرهنگ رسمی غالب باشد. این یافته با نتایج مطالعه مطلق و قریشی (۳۴) در عوامل حقوقی و قانونی و نتایج مطالعه احمدی (۳۰) در عوامل محیطی و مطالعه نصرتی نژاد و بهرامی (۸) در تأثیر فرهنگ و دین بر گرایش به هم‌باشی همسو است؛ اما ازآنجاکه در نتایج این مطالعه، کنشگران دیدگاه‌های دینی و قوانین حقوقی ازدواج و طلاق در ایران را مورد نقد و چالش می‌کشند و سبک نوینی از زندگی را که مغایر با سبک سنتی آن است شکل می‌دهند با نتایج مطالعه حسینی و همکاران (۲۷) که جوانان هم‌باشی را به دلیل مغایرت مذهبی، فرهنگی، قانونی، هنجاری و در نهایت غیرعقلانی بودن آن بر اساس عقلانیت معطوف به ارزش رد می‌کنند، همخوانی ندارد. بازدارندگی پدیده طلاق از دیگر علل شکل‌گیری هم‌باشی، بر اساس دیدگاه آنومی Durkheim در دوگانگی ارزش‌های سنتی و مدرن و دیدگاه Inglehart در جایگزین‌شدن ارزش‌های جدید به‌جای ارزش‌های نسل گذشته قابل‌تبیین است. بر اساس نتایج این مطالعه می‌توان مطرح نمود که به دلیل ترس از مواجه‌شدن با پیامدهای طلاق و گستردگی مشکلات آن، انتخاب سبک سنتی ازدواج جذابیتی برای نسل امروزی ندارد و هم‌باشی به‌عنوان یک سبک زندگی نوین که در آن طرفین به طور یکسان حق انتخاب جدایی از این رابطه را بدون وجود موانع قانونی و بدون درگیرشدن با مسائل و مشکلات اجتماعی و اقتصادی دارند، مورد انتخاب افراد برای زندگی مشترک قرار می‌گیرد. متناسب با آمار ثبت‌احوال کشور (۲۵) در خصوص گسترش آمار طلاق در ایران، این یافته با نتایج مطالعه محبوبی (۲۶) و حسینی و همکاران (۲۷) در طلاق به‌عنوان یکی از عوامل گرایش جوانان ایرانی به هم‌باشی همسو است. ایجاد تغییرات اجتماعی و فرهنگی و بازاندیشی سنت‌ها بر اساس دیدگاه جهانی‌شدن Ritzer و تأثیرات مدرنیزاسیون در سطوح مختلف فردی و اجتماعی در دیدگاه William Goode و همچنین مفهوم بازاندیشی در دیدگاه Berger، Giddens و McDonald قابل‌تبیین است. می‌توان مطرح کرد ازآنجایی‌که نسل امروزی در ایران مجذوب و پذیرای عناصر مدرنیته است، این بازاندیشی سنت‌ها، گستردگی هم‌باشی و تغییر نگرش افراد جامعه، تلاش برای آگاه‌سازی و گرایش به هم‌باشی، مبارزه و اعتراض مدنی به ساختارهای حاکم و بازتعریف مفاهیم ازدواج را به همراه دارد. این یافته با نتایج مطالعات Yu J, Xie Y(۶) در مدرنیزاسیون و بازاندیشی سبک‌ها و الگوهای سنتی خانواده و ازدواج در جامعه همسو است؛ اما باتوجه‌به نتایج این مطالعه در تأثیرگذاری تغییرات اجتماعی و فرهنگی در گرایش زنان به هم‌باشی و تمایل آنان به بازاندیشی سنت‌ها، با نتایج مطالعه رمضانی‌فر و آدیش (۲۹) که مطرح می‌کنند برخلاف ایران، در دیگر کشورها تغییرات فرهنگی و ارزشی باعث رواج این سبک زندگی شده است و نتایج مطالعه محبوبی (۲۶) که زوج‌های ایرانی همچنان ترجیح می‌دهند در قالب سنت‌هایی عمل کنند که هر چند از آن‌ها دلخوشی ندارند؛ اما قالب دیگری از سبک زندگی برای جایگزینی ندارند، متفاوت است.

نتیجه‌گیری

در تحلیل گرایش به هم‌باشی باید هر سه سطح خرد، میانی و کلان موردبررسی قرار گیرند و بر اساس نتایج این مطالعه، تعدّد بیشتر مضمون‌های اصلی شناسایی شده در سطح اجتماعی، بیانگر گستردگی عوامل ساختاری در گرایش زنان به انتخاب هم‌باشی دارد و باید از برچسب‌زنی به افراد هم باش و نگریستن به این موضوع از منظر فردی جلوگیری کرد و لازم است به‌جای برخورد قضایی با افراد هم باش و جرم‌انگاری آن، با اصلاح سیاست‌گذاری‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در عرصه ازدواج، گرایش جوانان به انتخاب این

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-09-15]

[DOI: 10.22034/30.2.97]

سبک زندگی کاهش یابد. اجرای برنامه‌های توانمندسازی فردی و خانوادگی و اجتماعی در راستای تقویت و استحکام خانواده‌ها، پیشگیری از طلاق و کاهش آسیب‌های ناشی از طلاق باید موردتوجه قرار گیرد. همچنین لازم است برنامه-ریزی‌های لازم جهت ارائه آموزش‌ها و توانمندسازی والدین در ایفای کارکردها و وظایف اصلی خود با ابهامات و تعارض‌های فرزندان و در برخورد با نسل جدید موردتوجه قرار گیرد.

تشکر و قدردانی

این پژوهش در کمیته اخلاق دانشگاه علوم پزشکی شیراز (IR.SUMF.REC.1399.1090) مورد تائید قرار گرفته است و تمامی ملاحظات اخلاقی در این مطالعه از جمله حفظ محرمانگی اطلاعات هویتی شرکت‌کنندگان و اخذ رضایت آگاهانه آن‌ها جهت مشارکت در پژوهش رعایت شده است. همچنین در این مطالعه، بین نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافعی وجود ندارد. از کلیه مصاحبه شوندگان که با اعتماد به پژوهشگران، ما را در انجام این پژوهش یاری کردند، تشکر و قدردانی می‌شود. ضمناً، نویسندگان مقاله به صورت مشارکتی تمام مراحل طراحی مطالعه، جمع‌آوری داده‌ها، تفسیر نتایج، آنالیز نتایج اولیه و تدوین فرمت مقاله را انجام دادند و نتایج را بررسی نموده و نسخه نهایی مقاله را تائید نمودند.

References

1.Brown KS, Schmidt B, Morrow C, Rougeaux-Burnes G. Pre-cohabitation conversations for relationships: Recommended questions for discussion. Contemp Fam Ther. 2023;45(2):131-45.
2.Taghavi N. Facing the conflicts and complicities between capitalist modernisation and Islamisation: a study of women's subjectivities and emancipatory struggles in Iran: University of Salford (United Kingdom); 2017.
3.Kok J, Leinarte D. Introduction: Cohabitation in Europe: a revenge of history? Cohabitation in Europe: Routledge; 2018. p. 1-26.
4.Horowitz JM, Graf N, Livingston G. Marriage and Cohabitation in the US. Washington, DC: Pew Research Center Accessed March. 2019;18:2022.
5.Malek NBA. Is cohabitation an alternative to marriage? Procedia-Social and Behavioral Sciences. 2016;219: ۸-۱۲.
6.Yu J, Xie Y. Cohabitation in China: Trends and determinants. Popul Dev Rev. 2015;41(4):607-28.
7.Ahmadvand Shahverdi M, Pourhosein R, Gholamali Lavasani M. A phenomenological exploration of cohabitation (Case study: youth in Tehran). Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal (RRJ). 2022;10(11):39-50.
8.Nosratinejad F, Bahrami G. The determinants of cohabitation. Quarterly Journal of Social Work. 2017;6(2):35-42.
9.Farahani FK. Meta Analysis of premarital heterosexual relationships among young people in Iran over the Past 15 Years (2001-2015). J Fam Res. 2015;12:339-67.
10.Xinyu L. Research and Enlightenment of Emile Durkheim's Social Anomie Theory. Lecture Notes in Education Psychology and Public Media. 2023.
11.Costello BJ, Laub JH. Social control theory: The legacy of Travis Hirschi's causes of delinquency. Annu Rev Criminol. 2020;3(1):21-41.

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-09-15]

[DOI: 10.22034/30.2.97]

12.HuangChen Q, editor To What Extent is McDonaldization Detrimental to Our Society? 2021 International Conference on Public Relations and Social Sciences (ICPRSS 2021); 2021: Atlantis Press.
13.Pesando LM. Rethinking and revising Goode's contribution to global family change. Marriage Fam Rev. 2019;55(7):619-30.
14.Aghaei M. A Criminological Analysis of White Marriage with a Sociological Approach. 2019.
15.Mattiazzi A, Vila-Petroff M. Is Bauman's "liquid modernity" influencing the way we are doing science? Journal of General Physiology. 2021;153(5):e202012803.
16.Sassler S, Lichter DT. Cohabitation and marriage: Complexity and diversity in union-formation patterns. J Marriage Fam. 2020;82(1):35-61.
17.Greenwood J, Guner N, Kopecky KA, Penn C. The Wife's Protector: The Effect of Contraception on Marriage During the 20th Century: Population Studies Center; 2019.
18.Amjadi F, Shokrbaigi A, Maadani S. The social construction of Cohabitation. Journal of Sociological Researches. 2020;14(48):67-98.
19.Kanani MA, Mousavi SH, Beygzadeh Z. Media as a Generational Object: Investigating the Role of Media Consumption on Generational Identity. Strategic Research on Social Problems. 2019;8(3):35-56.
20.Moradi S, Ruhani A. Resistant Life-World at the Threshold of Youth: Studying the Formation Process of Exceeding Expectations in Young Adults. Strategic Research on Social Problems. 2022;11(3):115-38.
21.Zolfaghari A, Ashayeri T, Ismaili S. A Meta-Analysis of the Role of Religious Components in the Social Security. National Security. 2021;10(38):69-98.
22.Heidari S, Rahmani Firoozjah A, Abbasi A, Mehraeen M. Qualitative study of crime subculture lived experience of latbazi among prisoners of violent crimes in (Mazandaran Province). Journal of social problems of Iran. 2021;12(1):277-97.
23.Lesthaeghe R. The second demographic transition, 1986–2020: sub-replacement fertility and rising cohabitation—a global update. Genus. 2020;76:1-38.
24.Murphy ML. The American Heritage® dictionary of the English language. Dictionaries: Journal of the Dictionary Society of North America. 2001;22(1):181-99.
25.NATIONAL ORGANIZATION FOR CIVIL REGISTRATION IROI. 2024 Available from: https://www.sabteahval.ir/#.
26.Mahboobi E. White marriage in contemporary Iran. Imperial Journal of Interdisciplinary Research. 2016;2(12):1283-88.
27.Hosseini N, Seyed Mirzaei SM, Saokhani B. Sociological study of young people's approach to cohabitation and emerging coexistences (Case study: Tehran city). Journal of Socio-Cultural Changes. 2022;18(4):22-41.
28.Braun V, Clarke V. Using thematic analysis in psychology. Qual Res Psychol. 2006;3(2):77-101.
29.Ramezanifar H, Adish M. Study the experiences of people living about white marriages in Iran (Qualitative study of youth in Gilan city). Quarterly Journal of Socio-Cultural Development Studies. 2018;7(1):195-217.
30.Ahmady K. A room with an open door: a comprehensive research on cohabitation in Iran. Journal of Legal Studies. 2019;2(21):01-35.

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-09-15]

[DOI: 10.22034/30.2.97]

31.ZEINALI A, Raei M, Amerinia MB. Jurisprudential attitude to the role of white marriage and the place of temporary marriage in the evolution of the laws of the family system in the Islamic society. 2020.
32.Zahediasl M, Fathi M, Mohammadzadeh R. Experiences and Challenges of Girls with a History of Cohabitation. Social Welfare Quarterly. 2021;21(80):275-309.
33.Kakavand B, Khodabakhshi-koolaee A. Women's lived experiences of cohabitation: A phenomenological study. Journal of Qualitative Research in Health Sciences. 2021;10(2):75-82.
34.MOTLAQ M. The sociologically study of the Cohabitation in Tehran City Research Areas: Research on Iranian social issues. 2022.
35.Shua'akazemi M, Farazandahpur F. The Relation of Lifestyle to Delayed Marriage Age among Students. Journal of Lifestyle. 2020;5(2):125-39.
36.Wagner BG. Marriage, cohabitation, and sexual exclusivity: Unpacking the effect of marriage. Social Forces. 2019;97(3):1231-56.

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-09-15]

[DOI: 10.22034/30.2.97]